روایت ذلّت

درآمدی به اندیشه و آثار ساموئل بکت

رونان مک‌دونالد

ترجمهٔ علی‌اکبر پیش‌دستی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: مک‌دونالد، رونن، ۱۹۷۰ ـ م. McDonald, Ronan
عنوان و نام پدیدآور: روایت ذلّت: درآمدی به اندیشه و آثار ساموئل بکت / رونان مک‌دونالد؛ ترجمه علی‌اکبر پیش‌دستی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۲۳۱ ص.
شابک: ۷-۹۲۸-۳۱۱-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت: عنوان اصلی: The Cambridge introduction to Samuel Beckett, 2006
موضوع: بکت، ساموئل، ۱۹۰۶ـ۱۹۸۹م. ـ نقد و تفسیر
شناسه افزوده: پیش‌دستی، علی‌اکبر، ۱۳۴۷ ـ مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۹پ۳ک/PQ۲۶۰۶
رده‌بندی دیویی: ۸۴۸/۹۱۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۳۷۲۰۰۴

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Cambridge Introduction to Samuel Beckett

Rónán McDonald

Cambridge University Press, 2006

انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شمارهٔ ۱۰۷، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

* * *

رونان مک‌دونالد

روایت ذلّت

درآمدی به اندیشه و آثار ساموئل بکت

ترجمهٔ علی‌اکبر پیش‌دستی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۰

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۳۱۱ـ۹۲۸ـ۷

ISBN: 978-964-311-928-7

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۵۸۰۰ تومان

www.ketab.ir

فهرست

یادداشت مترجم ۷

مقدمه ۱۱

یادداشت‌ها ۱۸

۱. زندگی ۱۹

یادداشت‌ها ۴۵

۲. زمینه‌های فرهنگی و فکری ۴۷

یادداشت‌ها ۶۰

۳. نمایشنامه‌ها ۶۱

در انتظار گودو ۶۱

دست آخر ۸۴

نمایشنامه‌های رادیویی: همهٔ افتادگان و خلواره ۹۸

همهٔ افتادگان ۱۰۰

خلواره ۱۰۶

آخرین نوار کراپ ۱۱۱

www.ketab.ir

روزهای خوش ۱۲۱
یادداشت‌ها ۱۳۰
۴. آثار منثور ۱۳۳
های بیش از هوی ۱۳۳
مورفی ۱۳۷
وات ۱۴۹
تریلوژی ۱۶۰
مولوی ۱۶۴
مالون می‌میرد ۱۷۵
نام‌ناپذیر ۱۸۴
این‌طور است ۱۹۴
یادداشت‌ها ۲۰۶
۵. بکت در آیینهٔ نقد ۲۰۷
یادداشت‌ها ۲۲۴
منابعی برای مطالعه بیش‌تر ۲۲۵
زندگینامه ۲۲۵
کتاب‌شناسی ۲۲۶
مطالعات دانشگاهی و انتقادی ۲۲۶

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

«نه بخواهی چیزی بگویی، نه بدانی چه می‌خواهی بگویی، نه قادر به گفتن آنچه فکر می‌کنی می‌خواهی بگویی باشی؛ با وجود این، دست از گفتن برنداری، یا به‌زحمت برداری. این چیزی است که باید در ذهن داشته باشی، حتی در گرماگرم نوشتن.»

بکت

بود اگر در زمانهٔ بکت می‌زیست، کارش خیلی آسان‌تر بود. او دیگر نمی‌گفت که همه چیز رنج است، و راجع به ماهیت نکبت و بدبختی و نیاز داد سخن نمی‌داد. تنها بر سردر دیر خویش می‌نوشت: هر کس بکت نمی‌داند وارد نشود. کار بکت بی‌پرده‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین افشاگری عقل و زندگی انسان است؛ بیان رسوایی و درماندگی عقل، و پوچی و بی‌ارزشی و حماقت و ظلم زندگی موجودی حقیر به نام آدمی. اگر هنر رمان را، همانند کسانی چون لارنس و کوندرا، به‌درستی شرح سلوک آدمی و آیینهٔ تمام‌نمای روح او بدانیم، آن‌گاه رمان‌های بکت را دیگر نه ضد رمان و قاتل رمان، که گزارشی زنده از بنیادهای مادی زندگی آدمی خواهیم دانست: لبِ لباب سلوک آدمی در جهانی باب طبع کواین، ساحت انسانی یا ربع مسکون فلسفهٔ علمی و علم‌پرست کواین که بر دروازهٔ آن ویلیام اوکامی با تیغی آهیخته ایستاده است.

www.ketab.ir

باز هم می‌توان گفت که اگر هنر رمان حکایت غربت آدمی در خراب‌آباد است، موضوع آثار بکت از این هم فروتر و ویران‌کننده‌تر و خوفناک‌ترند، به نحوی که زبان هم این‌جا از نامیدن و اشاره کردن در می‌ماند. گویی این لکنت و حیرت و لعنتی که زبان به آن دچار آمده است مجازات ورود به این منطقهٔ ممنوعه است.

***

نویسنده در مقدمهٔ خویش آورده است که کتاب را برای کسانی نوشته که آثار بکت را خوانده‌اند و اشخاصی که این آثار را نخوانده‌اند بهرهٔ چندانی از مباحث کتاب نخواهند برد. اما به نظر می‌رسد که این حکم تا اندازهٔ زیادی قابل تعدیل است، چرا که فرایند خواندن و اصولاً فرایند فهمیدن «فرایندی دوسویه است»، یعنی همان چیزی که از آن با نام حلقه یا دور هرمنوتیکی یاد کرده‌اند. جهان غالب آثار بکت جهانی برزخی و چنان هول‌انگیز و تاریک است ـ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ـ که خواننده در همان چند صفحهٔ اول خویش را می‌بازد و قادر به ادامهٔ راه سپردن نیست. به نظر می‌رسد خواندن، فهمیدن و لذت بردن از رمان‌هایی مانند ناتمام‌پذیر، این‌طور است یا وات و حتی برخی از نمایشنامه‌های مشهور او بدون توسل به مفاهیم و ایده‌های رهنما و روشنگر، تنها برای اذهانی به همان حیرانی مقدور است. جالب این‌جاست که خود مؤلف آن‌جا که در مقام بیان و شرح آموزه‌های رمان‌های بکت برمی‌آید، اظهار می‌دارد که تجربه کردن واقعیت خام و سرکش هیچ‌گاه بدون تحمیل چارچوب و مفاهیم عقلی و ارزشی خودمان ممکن نیست. این اصل و حقیقت جاافتاده و استواری است که حتی در میان دست‌اندرکاران علوم تجربی دقیق هم پذیرفته شده است (بگذریم از این‌که این بیان، اهلی‌ترین و رام‌ترین تعبیر از نسبیتِ شناختی است). مورد ملموس‌تر دیگری که بسیاری از خوانندگان جدی ادبیات غرب آن را تجربه کرده‌اند خواندن رمان خشم و هیاهوی فاکنر است. کاش می‌شد مشخص کرد که چند نفر تنها پس از این‌که به

www.ketab.ir

رمز زبان پیچیدهٔ کتاب خصوصاً در فصل اول (بیان قصه از منظر یک عقب‌ماندهٔ ذهنی) پی برده‌اند، موفق به خواندن آن شده‌اند.

❋❋❋

نام اصلی کتاب «مقدمهٔ کمبریج بر ساموئل بکت» است. این اثر یکی از مجموعهٔ آثار انتشارات نامدار کمبریج است که به قلم استادانی چیره‌دست نوشته می‌شوند. این مجموعه نزد اهل تحقیق و کتابخوانان حرفه‌ای مجموعه‌ای است قابل اعتماد و منبع و مرجعی درخور اعتنا محسوب می‌شود. برای مثال، فصل پنجم کتاب نمونه بسیار جالبی است از این‌که غربیان چگونه و از چه دید گسترده‌ای به نویسندگان و هنرمندان خود می‌نگرند. شگفتزده می‌شویم از این همه معنا که در بکت نهفته بوده است و ما نمی‌دیده‌ایم.[1] امیدوارم مترجم فارسی هم از عهدهٔ کار برآمده باشد و موجب بردن عرض خود و زحمت خوانندگان گرامی نشده باشد.

به منظور سهولت مراجعهٔ خوانندگان، آن‌جا که ترجمهٔ فارسی قابل قبولی در دسترس مترجم بوده، در برگرداندن قطعات نقل شده از آثار بکت، از آن استفاده شده است؛ و جز یکی دو مورد کوچک ــ که با توجه به توضیحات نویسنده ترجمهٔ فارسی نارسا می‌نموده ــ دخل و تصرفی در این ترجمه‌ها صورت نگرفته است. در پایان از مدیر محترم انتشارات فقنوس و تمامی دیگر کسانی که در مراحل گوناگون انتشار این کتاب دست داشته و زحمت کشیده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

---

۱. همین‌جا فرصت را مغتنم می‌شمرم و یادآور می‌شوم که در بخش پنجم نویسنده از انبوهی کتاب و رساله و مقاله که از دیدگاه‌های مختلف به بکت پرداخته‌اند نام می‌برد، آثاری که مترجم به بسیاری از آن‌ها دسترسی نداشته است. خوانندگان فرهیخته خوب می‌دانند که ترجمه نام کتاب قبل از خواندن آن و آشنایی مستقیم و نزدیک با محتوای آن، در بسیاری از موارد ضعیف یا نادرست از کار درمی‌آید. بنابراین، اگر لغزشی در این خصوص پیش آمده باشد، پیشاپیش پوزش می‌طلبم.

www.ketab.ir

مشخصات ترجمه‌های فارسی مورد استفاده:

نمایشنامه‌های بکت، ترجمهٔ نجف دریابندری، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶ (دو جلد).

مالون می‌میرد، ترجمهٔ محمود کیانوش، بی جا، انتشارات نیل، ۱۳۵۰.

www.ketab.ir

مقدمه

«من از نوشتن مقدمه‌ای انتقادی بر آثار خودم به کلی عاجزم.»[1]

یک نسل از مرگ ساموئل بکت گذشته است و او هنوز یکی از بزرگان ادبیات و نمایشنامه‌نویسی قرن بیستم به شمار می‌رود. آنچه کار را برای منتقدان بکت دشوار می‌کند این است که او همچنین یکی از نیرومندترین اسطوره‌های ادبی قرن پیشین است. بکت، همانند دیگر «مدرنیست‌ها»، در ابهام و دشواری پرآوازه است؛ با وجود این، هنر او به شیوه‌هایی بی‌نظیر فرهنگ ما را درنوردیده است. واژهٔ «بکتی» حتی میان آنان که چندان چیزی از بکت نمی‌دانند طنین‌انداز است و چشم‌اندازی تیره و دلگیر توام با طنزی گزنده را در ذهن زنده می‌کند: ولگردانی آس و پاس که برصحنهٔ عریان نمایش در انتظارِ هیچ جانشان به لب رسیده است، زوجی سالخورده و بی پا که از درون سطل زباله به بیرون می‌نگرند، و راویانی فرتوت که در حال بلغور کردن واپسین نجواهای آشفتهٔ خویش هستند. واژهٔ بکتی همچنین یادآور بی‌برگ و باری و کمینه‌گرایی ادبی، به همراه کشش بی‌رحم و کالبدشکافانه به عریان کردن، برملا نمودن و جستجوی مغزها و جوهرهاست.

بخشی از دلیل رخنه کردن بکت به فرهنگ عامه به نفوذ بی‌همتای او در عرصهٔ نمایش بعد از جنگ جهانی دوم مربوط است. تصاویر نمایشی او از

www.ketab.ir

چنان جنبهٔ دیداری و ملموسی برخوردارند که به‌تحقیق نمونهٔ آن را نزد هیچ یک از شاعران و نمایشنامه‌نویسان نوپرداز نمی‌توان یافت. صحنهٔ نمایش پیراستهٔ بکت را آسان‌تر از خراب‌آباد شاعرانهٔ شهری می‌توان تجسم کرد. وانگهی نمایشنامه‌های او چنان روشنفکرانه و دور از دسترس تلقی نمی‌شوند که چند فقره از آن‌ها را نشود جزء نمونه‌های بارز نمایش‌های فصلی[1] به شمار آورد. «اسطوره» یا «تجارت» بکت به پشتوانهٔ دو پدیدهٔ مرتبط با هم رونق گرفته است: امتناع بکت از به دست دادن هرگونه شرح و توضیحی در بارهٔ آثارش، پافشاری‌اش بر این‌که «معنا»ی آثار او صرفاً همان چیزی است که، «آن‌ها خود می‌گویند»، و دیگر انزوای خلل‌ناپذیر او (هراس از اجتماع که زنش را واداشت در پاسخ به خبر اعطای جایزهٔ نوبل ادبیات به شوهرش بگوید !Quelle catastrophe). اگر بکت توقع داشته که با سکوتش راه را بر هرگونه نظرپردازی در بارهٔ شخصیت خویش سد کند، باید گفت سودایی بیهوده پخته است. سکوت در حقیقت موجب رمز و راز بیش‌تر و غلیظ‌تر شدن هالهٔ پیرامون او شده و شهرت او را به عنوان هنرمندی زاهد که دامنش از آلودگی خودستایی و بدذوقی شرح و بیان خویش مبراست برجسته نموده است.

وانگهی، فقدان ویژگی در نمایشنامه‌های او، به همراه صحنه‌های انتزاعی و عدم تعین جغرافیایی یا زمانی، خصوصاً نزد نخستین منتقدان، تأییدکنندهٔ این عقیده بود که آثار بکت بُردی جهانشمول دارند و متکفل بیان چیزی بنیادین و فراتاریخی در باب زندگی و هستی انسانی هستند. این نمایشنامه‌ها در کجا اتفاق می‌افتند و این راویان بی‌نام چه کسانی هستند؟ این فقدان قطعیت در تعیین و شناسایی هویت‌ها را نشانه‌ای حاکی از سر و کار داشتن آثار او با نمونه‌های ازلی و بنیادین می‌دانند. این صحنه‌های عریان یا راویان

---

1. repertory theatre

۲. عجب فاجعه‌ای!

www.ketab.ir

بی‌نام به نظر می‌رسید زبان اختصاری سخن گفتن از هر کس و هر جا هستند. بدین گونه، دغدغه‌های «اصالت وجودی»،[1] که در دههٔ پنجاه فائق بودند، در آثار بکت، دست‌کم تا آن‌جا که آن‌ها را نگاهی کلی و تیره به هستی انسانی می‌دیدند، قرائت می‌شدند.

طرفه این‌جاست که درست همان هنگام که بکت را برای وصف انسان بی‌زمان عزیز می‌داشتند، او را به عنوان حقیقی‌ترین صدایی که از میان خرابه‌های پس از جنگ جهانی دوم برمی‌خیزد نیز می‌ستودند. این موجودات اسکلت‌وار و مکان‌های تهی و عریان نمایشنامه‌های بکت یا راویان پیر و مفلوک و مبهوت رمان‌های او، همه به‌درستی بیان هنریِ جهانِ [غرب] است جهانی محروم از بشارت ملکوت، جهانی بی‌خدا و بی‌اخلاق و بدون حاکمیت ارزش که در آن حتی به ثبات نفس نیز نمی‌توان دل خوش داشت. صرف نظر از فتوای آدورنو مبنی بر امتناع هنر پس از آشویتس، بکت شایسته‌ترین نامزد برای دریافت لقب ملک‌الشعرای زمانهٔ عسرت است.

بکت را گاه قدیس لامذهب زمانهٔ خویش یا تمام زمان‌ها خوانده‌اند. نوشته‌های او گرچه اغلب گنگ و نامفهوم هستند، عمیق و حتی بصیرت‌بخش تلقی می‌شوند. چهرهٔ جذاب خود بکت نیز بحق وارد عرصهٔ شمایل‌نگاری مدرن شده است. در واقع چهرهٔ هیچ نویسندهٔ دیگری بعد از جنگ این همه در مقایسه با صدایش شناخته شده نیست. منظور بکتِ دوران کهنسالی است با آن رخسار تکیده و لاغر و خطوط عمیق صورت و موهای اصلاح‌شده و دماغ منقارمانند و بیش از همه چشمان افسونگر آبیِ («چون مرغان دریایی») او. طنز قضیه این‌جاست که این سرفروآوردن در برابر دوربین عکاسی و از آن طرف سرپیچیدن از مصاحبه، بکت را به یکی از آشناترین خلوت‌گزیدگان عالم بدل کرده بود.

---

1. existentialist

www.ketab.ir

باری، کیش منحصربه‌فردی از ستایش میان پیروان و مقلدان و سینه‌چاکان بکت به وجود آمده است. او نه‌تنها از نقصان گرفتن محبوبیت، که آفت بسیاری از نویسندگان پس از مرگ آن‌هاست، در امان بوده، بلکه به نظر می‌رسد از موج واکنش منفی نسبت به برخی از نوپردازان نیز برکنار مانده است. بکت در نهضت مقاومت فرانسه مشارکت داشت و خصم استبداد در تمام اشکال آن بود. بنابراین، هیچ کدام از وصله‌هایی که به دیگر نویسندگان نوپرداز می‌زدند به او نمی‌چسبید. اسطورهٔ بکت، هالهٔ صداقت هنری او، حقیقت بنیادین و شجاعت وجودی‌ای که با نام او گره خورده است اینک اموری هستند که خوانندهٔ هوشیار باید به آن‌ها توجه داشته باشد. خواندن آثار بکت (به دلیل تمام تفاوت‌هایش با دیگران) همانند خواندن آثار شکسپیر، وارد شدن به دنیایی از شبکهٔ روابط پیچیدهٔ فرهنگی و جلالت ادبی است.

مقصود از کتابِ پیش رو یاری رساندن به دانشجویان، تماشاگران نمایش و خوانندگان غیرحرفه‌ای است تا بتوانند نقادانه به بکت و آثار مهم او بیندیشند. لیکن این کتاب به جای یافتن پاسخ و حل معما، به طرح پرسش‌های مربوط و مناسب دست می‌زند. تمتع بردن از نمایشنامه‌ها و رمان‌های بکت لزوماً به معنای «رمزگشایی» آن‌ها یا بیرون آوردن معنای واقعی از پس پردهٔ ابهام نیست. باید کاملاً مراقب بود، چرا که آثار او خواندن، نگریستن و طرز تعبیر ما را به مبارزه می‌طلبند. آن‌ها را باید نمایشنامه‌ها و آثاری منثور و زیبا و شیوا لیکن دارای درونمایه‌هایی معنا گریز دانست. خوانندگان و تماشاگران اغلب نه به واسطهٔ معانی یا بصیرت‌های درک‌شده نسبت به زندگی بلکه به دلیل لحن بی‌همتا و پرهیبت او بر صحنهٔ نمایش و صفحهٔ کتاب مفتون بکت می‌شوند. بکت همیشه بیش‌تر بر کیفیات زیبایی‌شناسانه آثارش تأکید می‌ورزید تا بر معنایی که می‌شود از آن‌ها استنباط کرد، و این یعنی رجحان شکل بر مضمون. یک بار به‌نیکویی گفت: «واژهٔ کلیدی در نمایشنامه‌های من

www.ketab.ir

'شاید' است.»[۲] در یک مقالهٔ انتقادی هم که آن اوایل راجع به جویس نوشت هشدار داد که «خطر در شسته‌رفته بودن بازشناسی هویت‌ها نهفته است» (D ۱۹). هشداری که هنوز هم باید پروای آن را داشته باشیم.

در خلال بررسی هر یک از نوشته‌های او، تنها به دنبال برطرف کردن ابهام و دشواری‌های موجود نیستم، بلکه می‌خواهم مقصود از این ابهام و دشواری‌ها و کارکرد زیبایی‌شناسانهٔ آن‌ها را نیز روشن کنم. در طول راه ممکن است گاهی به موجع تلمیحی اشاره کنم یا شرح مختصری به دست دهم، اما منظور اصلی این کتاب شرح و تفسیر نیست. از آن‌جا که این اثر چون مقدمه‌ای بر آثار بکت محسوب می‌شود، به غیر از خلاصه‌ای که از تاریخچهٔ رویکرد نقادانه به بکت در فصل پنجم آمده، در ارجاع به دیگر منتقدان و منابع دست دوم به کم‌ترین حد بسنده شده است.

کتاب حاضر از مجموعهٔ مقدمه‌های انتشارات کمبریج، برای کسانی نوشته شده که آثاری را که این‌جا مورد بحث قرار می‌گیرد خوانده یا تماشا کرده‌اند و حال می‌خواهند قدری بیش‌تر در بارهٔ آن‌ها بیندیشند. بنابراین، فایدهٔ این کتاب برای کسی که قبلاً آثار بکت را نخوانده کم‌تر خواهد بود. من به طور کلی از به دست دادن خلاصهٔ پیرنگ رمان‌ها و نمایشنامه‌ها یا شرح و بازگویی متون سر باز زده‌ام، به‌ویژه برای این‌که دانشجویان را هم به در پیش گرفتن چنین شیوه‌ای در مقالاتشان ترغیب کرده باشم. اگرچه این کتاب را بدون مقصود خاصی هم می‌توان خواند، اما برای دانشجویی هم که یکی از آثار بکت را به عنوان برنامهٔ درسی می‌گذراند ــ مثلاً در انتظار گودو[1] برای بخشی از واحد درسی درام ــ می‌تواند سودمند باشد و در چارچوب قسمت مربوط به آن او را یاری دهد.

در فصل اول دورنمایی از سراسر زندگی و آثار بکت به دست داده‌ام، اما

---

1. *Waiting for Godot*

www.ketab.ir

باید دانست که این کتاب بررسی کامل همهٔ نمایشنامه‌ها و آثار منثور او نیست. بحث مبسوط‌تری نیز که در فصل‌های سوم و چهارم در باب آثار او می‌شود متوجه نمایشنامه‌هایی است که از همه بیش‌تر روی صحنه رفته‌اند و رمان‌هایی که از همه بیش‌تر، خصوصاً در سطح آموزش عالی دورهٔ لیسانس، خوانده و بررسی شده‌اند. این امر متأسفانه ما را از بررسی بیش‌تر آثار اخیر بکت، یعنی همان چشم‌انداز جهان کمینه‌گرایانه یا مینیمالیستی درون جمجمه و «دراماتیکول»ها،[1] بازداشته است. این دسته از آثار او آثاری هستند با فرم‌های پیچیده و متن‌هایی فریبنده که در کل از خلاصه شدن سر باز می‌زنند. من به‌جای بررسی سرسری و نمایشی ترجیح داده‌ام که آن‌ها را از شمار آثاری که با بسط بیش‌تری به نقد می‌کشم به کلی حذف کنم. به همین دلیل مجبور شده‌ام بررسی نقادانهٔ اشعار بکت، یعنی آن بخش از آثار او را که متأسفانه مغفول مانده‌اند رها کنم. دلیل اتخاذ چنین تصمیمی این بود که بررسی اساسی‌تر آثار دشوار او برای کسی که برای اولین بار با بکت دست و پنجه نرم می‌کند مسلماً سودمندتر از نگاهی سطحی به کل فعالیت ادبی شصت سالهٔ اوست.

بکت امکانات موجود در همهٔ فرم‌ها و وجوه ادبی مورد استفاده‌اش اعم از داستان کوتاه، رمان، نمایش صحنه، نمایش رادیویی، و فیلم و برنامهٔ تلویزیونی را گسترش می‌داد. او هنگام استفاده از یک فرم یا رسانهٔ جدید و قبل از سنجیدن حد و مرزها به نحو اساسی تمام قواعد و اصول مربوط را می‌آموخت. به دلیل همین ارتباط ناگسستنی میان محتوای آثار و شیوهٔ بیان و نیز همنوایی «چه» و «چگونه» است که وی به دخل و تصرف در آن‌ها رضا نمی‌داد. برای به دست دادن نمونه‌ای از این هنرنمایی بکت، یعنی مشخص کردن معنای دقیق این‌که چگونه آثار بکت قابلیت‌ها و نهایت‌های یک رسانه

---

۱. نگاه کنید به پانوشت صفحهٔ ۶۴.

www.ketab.ir

را می‌کاود، بخشی از فصل سوم کتاب به بررسی نمایشنامه‌های رادیویی او شامل همهٔ افتادگان[1] و خلواره[2] اختصاص یافته است. همهٔ افتادگان یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌های رادیویی است که تاکنون نوشته شده و چه بسا واقع‌گراترین و دریافتنی‌ترین اثر بکت نیز باشد.

اما با توجه به این‌که بیش‌تر رمان‌هایی که به آن‌ها پرداخته‌ایم قبل از در انتظار گودو نوشته شده‌اند، چرا بررسی نمایشنامه‌های او را مقدم داشته‌ایم؟ برای این تقدم و تأخر دلایلی چند وجود دارد. اول این‌که بکت احتمالاً هنوز هم بیش‌تر به عنوان نمایشنامه‌نویس شناخته می‌شود. اگرچه تأثیر بکت به عنوان نویسندهٔ آثار منثور بر رمان‌نویسان نوپردازی مانند جی. ام. کویتزی[3] و جان بانویل[4] قابل انکار نیست، اما نفوذ او در عرصهٔ نمایش بعد از جنگ همتا ندارد. حیات ادبی ادوارد آلبی[5] هارولد پینتر[6] و تام استاپرد[7] و بسیاری دیگر بدون تأثیر بکت تصورپذیر نیست. بسیاری از مردم ابتدا بر صحنهٔ تئاتر با بکت آشنا می‌شوند و بعد بر آن می‌شوند که سراغ رمان‌های او بروند. ترتیب فصول این کتاب تا اندازه‌ای به همین دلیل است.

ما معمولاً آنچه را نمی‌دانیم به «دشواری» و «ابهام» نسبت می‌دهیم، اما بکت ثابت کرد که تجربهٔ روبرو شدن با دشواری به همان اندازه که از پیچیدگی برمی‌خیزد ممکن است ناشی از سادگی باشد. او انتظارات معمول ما را نه با رگبار اطلاعات جدید بلکه با آشنایی‌زدایی، شکستن پیش‌فرض‌ها و اعراض از هرگونه قواعد نمایشی متعارف نقش بر آب می‌کند. اگر نمایشنامه‌های او به طور کلی از آثار منثورش دریافتنی‌ترند، این صرفاً به علت واقعیت ملموس آن‌ها و تصاویر بی‌پرده‌ای نیست که به طور غریزی، قبل از این‌که عقل مجال راه بردن به دلالت و معنا را داشته باشد، به ذهن می‌رسند.

---

1. *All That Fall*
2. *Embers*
3. J. M. Coetzee
4. John Banville
5. Edward Albee
6. Harold Pinter
7. Tom Stoppard

www.ketab.ir

علت آن، همین سادگی مفرط و بیگانه‌ساز نیز هست. دشواری آثار منثور آغازین بکت با آن لحن مطنطن و زبان فاخر فاضلانه، با نمایشنامه‌های اخیر او، که نمایش موقعیت‌های کمینه (مینیمال) است، و نیز با نثر متأخر او که مبتنی بر تکرار و تنوع عبارت‌ها و آهنگ‌های ساده است، بسیار تفاوت دارد. این هم باز دلیلی است بر این‌که چرا بکت همواره از توضیح معانی ممکن نمایشنامه‌هایش سر باز زده و بر اعتبار صاف و سادهٔ آنچه بر صفحهٔ کتاب و صحنهٔ نمایش می‌گذرد تأکید ورزیده است. وی به آلن اشنایدر،[1] کارگردان آمریکایی آثارش، چنین نوشت:

> به نظر من، بهترین راه همین خودداری از به دست دادن هرگونه تفسیر است، و اصرار ورزیدن بر سادگی مفرط موقعیت و موضوع دراماتیک. اگر این برای آن‌ها کافی نیست ــ و مسلماً نیست ــ برای ما زیاد هم هست. شرح و تفسیر اسراری که آن‌ها خود ساخته‌اند به عهدهٔ ما نیست. کار من نواختن نغمه‌های اصلی با تمام ظرفیت آن‌هاست. تنها در مقابل همین هم پاسخگو هستم. حالا اگر کسانی می‌خواهند در میان نغمه‌های فرعی دچار سرسام شوند، من چه می‌توانم بکنم. حتماً خود آن‌ها داروی رفع سرسام را هم سراغ دارند. (D 19)

یادداشت‌ها

1. Samuel Beckett, quoted by Colin Duckworth, 'Introduction', Samuel Beckett, *En Attendant Godot*, ed. Colin C. Duckworth (London: George C. Harrap, 1966), p. xxv.
2. Beckett to Tom Driver, 'Beckett by the Madeleine', *Columbia UniversityForum* 4 (Summer, 1961), reprinted in Lawrence Graver and Raymond Federman (eds.), *Samuel Beckett: The Critical Heritage* (London, Henley and Boston: Routledge and Kegan Paul, 1979), p. 220.

1. Alan Schneider

www.ketab.ir